



ارسال پیام کوتاه شماره ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

چرا لاستیک‌های دولتی سهمیه‌ای عرضه نمی‌شود در همه شرکت‌های لاستیک‌سازی خودرو ایرانی که لاستیک سهمیه‌ای عرضه می‌کردند ثبت نام کردم. در سایت نوشته‌اند که لاستیک هر روز ۸صبح شارژ می‌شود ولی دو هفته‌ای خبری از فروش نیست. در بررسی‌ها مشخص شد که این شرکت‌ها از ۲ماه قبل هیچ لاستیکی بیرون ندهادند و در این شرایط قیمت لاستیک در بازار آزاد ۲ برابر شده استمثلا لاستیک براید دولتی حلقه‌ای ۵۱۰هزار تومان قیمت دارد ولی در بازار آزاد حلقه‌ای ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ به‌فروش می‌رسد. شاید این موضوع برای دارندگان خودروهای شخصی چندان مهم نباشد اما برای امثال من که راننده تاکسی هستم و هر عامه باید یک جفت لاستیک عوض کنم خاب آور است. از یک طرف نمی‌توانم کار نکنم و از طرفی هم نمی‌توانم درست ارائه خدمت کنم چرا که به‌دلیل صافی لاستیک امکان ترکیدگی و تصادف جاده‌ای هست.

**حسینی – راننده تاکسی از تهران**
افتتاح نیروگاه خورشیدی در سمرخه حصار بسیار مسرت‌بخش است

خبری که این روزها شاید کمتر دیده شد افتتاح نیروگاه خورشیدی ۱۳۰ کیلوواتی در بوستان جنگلی سرخه حصار در منطقه ۱۳ بسود. اکنون که چنین ظرفیتهایی دیده می‌شوند و می‌توان از توان آنها، حداکثر بهره و استفاده را برد و به شهروندان و شهر خدمت کرد جای بسی خوشوقتی است که چنین طرح‌هایی وارد مدار شده‌اند. از مسئولان تقاضا داریم با توجه کافی به نگهداشت و پایش مستمر این چنین دستاوردهایی اقدام کنند.

<b>پيامك</b>	ارسال پیام کوتاه شماره ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶
--------------	------------------------------------

تیبیاکس در قبال تعهداتش مسئولانه عمل نمی‌کند
فرق تیبیاکس با پست این است که سرعت آن نسبت به پست بیشتر است ولی اگر قرار باشد چنین موضعی اتفاق نیفتد یا بسته‌های ارسالی مفقود شوند و به موقع نرسند اصلا چرا باید به تیبیاکس کار سپرد؟ چندی قبل بستتهای که قرار بود آرزو به دستم برسند بعد از ۲ هفته، اعلام مفقودی شد و در نهایت چون فرستنده به ارزش بستته کالا ابیمه نکرده بود رقم ۲۰۰هزار تومان برای جبران خسارت در نظر گرفتند که آن هم به فرستنده پرداخت می‌شود نه من که دریافت کننده‌ام و بابت آن رقمی چند برابر ۲۰۰هزار تومان پرداخت‌ام. تعدادی از نمایندگان ما شعبان روی عمد بسته‌ها را نمی‌سانند تا خود مردم حضوری به نمایندگی رفته و بسته خود را بگیرند. مسئول و نظارت بر عملکرد شرکت‌هایی مانند تیبیاکس چه سازمان و نهادهی است؟

**محمدزاده از تهران**
برخی مغازه‌های اسلامشهر کالا‌های پرخطر و ممنوع عرضه می‌کنند تعدادی از مغازه‌های اسلامشهر، شاداباد و اووان که نباید اسم آنها را کسبه گذاشت کالا‌های ممنوع مثل تره‌های خطرناک و مواد آتش را توزیع می‌کنند و مغازه آنها پوششی برای کارشان است. کافی است پلیس یکی دو روز مغازه‌های این مناطق را تحت نظارت بگیرد تا متخلفان را شناسایی کرده و جلوی فعالیت آنها را بگیرد.

<b>پيامك</b>	تلگرام باهمرد @bamardom_humshahri
--------------	-----------------------------------

با در آمد ماهی ۱۰میلیون چگونه صاحب فرزند شویم؟
ماهی ۱۰ میلیون درآمدیم که عمیلمون آن بابت اجاره می‌رود با فرض حمایت‌های دولت که آن هم به‌صورت است چگونه از پس تمامی هزینه‌های فرزند پرآیم درحالی‌که دلمان هم می‌خواهد ۴سال بعد از ازدواجمان بچه داشته باشیم. یک وام فرزندآوری که باید یا بسود هر چند کم آن را بازگردانیم یا یک خودرو که بازهم باید پولش را بدهیم که نشد حمایت. در ثانی همه هزینه‌های دوران بارداری هم باید از جیب هزینه کنیم و بخشی از آنها از شمول بیمه خارج شده‌اند لظفا به داد ما جوان‌ها برسید.

**آرمان از تهران**
تکنولوژی خودپرداز بانک‌ها به روز شود تکنولوژی بعضی از دستگاه‌های خودپرداز بانک‌ها بسیار کهنه و قدیمی است و چاپگرهای آنها که اغلب از نوع حرارتی است روی رسیدهای کاغذی به‌زودی کمرنگ و ناخوانا و در مدت کوتاهی به کلی پاک می‌شوند، همچنین سرعت و عملکرد و کارایی دستگاه‌های خودپردازهای جدید را ندارند، لذا ضروری است بانک‌ها نسبت به تعویض و تجهیز انواع قدیمی خودپرداز‌ها در اسرع وقت اقدام نمایند.

**محمود بلیغیان از اصفهان**
قبل از پایان سال تکلیف اجاره سال آینده را مشخص کنید اجاره‌های سرسام آور این فصل از سال نشان می‌دهد که باید در انتظار افزایش قیمتی مسکن در ابتدای سال آینده باشیم. از مسئولان محترم تقاضا می‌شود قبل از پایان سال توجهی به اجاره‌های نجومی مسکن نیندازند و با مضموعی محکم از همین حالا جلوی افزایش اجاره بها را سد کنند. در سال جدید تا مسئولان به‌خود بیایند فصل نقل و انتقالات به پایان خواهد رسید و عده‌ای درگیر بخت و دادگاه شده و سرگردان می‌شوند و مالکان نیز بلا تکلیفی می‌مانند.

**سرپرست از تهران**

## حوادث

**جوان شیشه‌ای خبر نداشت که پدرش بر اثر ضربات چاقوی او به قتل رسیده است**

# قاتل به محل جنایت بازگشت



پسر شیشه‌ای که پس از یک سال قهر برای آشتی با پدر و مادرش به خانه برگشته بود، در جریان درگیری با آنها دست به جنایتی هولناک زد و فراری شد تا اینکه پس از یک‌ماه قرار به دام پلیس افتاد. به گزارش همشهری، این حادثه عصر بیست و ششم دی‌ماه امسال رخ داد. آن روز وقتی کار آگاهان جنایی پایتخت در جریان درگیری مرگبار در خانه‌ای در یکی از مناطق مرکزی تهران قرار گرفتند راهی آنجا شدند. در جریان این درگیری زوجی میانسال با ضربات چاقو مجروح شده بودند که به بیمارستان انتقال یافتند اما مرد میانسال جانش را از دست داد و همسرش با تلاش پزشکان از مرگ نجات یافت. مردی که شاهد این

درگیری بود، می‌گفت که قاتل، پسر خانواده به نام شایان است. او به مأموران گفت: شایان مدتی می‌شد که با پدر و مادرش دچار اختلافاتی شده و خانه را ترک کرده بود.انطور که او می‌گفت اختلاف آنها بر سر پول بود و ظاهراً شایان از پدر و مادرش درخواست پول کرده بود اما آنها به‌وی اهمیت ندهاده بودند. او گفت: پس از آنکه شایان خانه را ترک کرد، به مسافر‌خانه رفت. او در کارگاه من کار می‌کرد و هر روز از او می‌خواستیم به خانه برگردد و به قهرش پایان دهد. اصرارهای من موجب شد که او راضی شود به خانه‌شان برگردد و با پدر و مادرش آشتی کند اما از من خواست که همراهش بروم. مرد جوان

ادامه داد: چون می‌خواستیم شایان با خانواده‌اش آشتی کند، قبول کردم. همراه هم به خانه‌شان رفتم اما وقتی وارد خانه شدیم، شایان به جای عذرخواهی از پدر و مادرش شروع به حرف‌زدن درباره مسائل مالی کرد. همین، باعث عصبانیت پدر و مادرش شد و ناگهان درگیری میان آنها شکل گرفت. همان موقع شایان از کوره در رفت و از آشپزخانه چاقویی برداشت و به سمت پدر و مادرش هجوم برد. به قدری این حادثه سریع رخ داد که من اصلا فرصت نکردم مانع او شوم. شایان با

چاقو ضرباتی به پدر و مادرش زد و بعد از آن هم قرار کرد من بفرایم از همسایه‌ها کمک خواستم. یالین اطلاعاتی از محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی دستور بازداشت قاتل

فراری را صادر کرد و وی تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه چهارشنبه گذشته شایان درحالی‌که به محل جنایت بازگشته بود، اقدام به تخریب خانه پدرش کرد و در این شرایط همسایه‌ها با پلیس تماس گرفتند و با حضور آنها، متهم دستگیر شد. او پس از دستگیری، وقتی فهمید اتهامش قتل عمد است، درحالی‌که شوکه شده بود، مدعی شد که خبر نداشت پدرش پس از آن درگیری به قتل رسیده و بری او همین به خانه برگشته بسود تا با تخریب آنجا، پدر و مادرش را بترساند. متهم هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

#### توهم عجیب قاتل پدر

متهم به قتل ۳۲ساله است و می‌گوید شیشه زدنیش را از تباه کرده و باعث شده که وی باعث مرگ پدرش شود. او مدعی است از وقتی متعاده به شیشه شده، توجهات عجیب به سراغش می‌آید و یک موجود خیالی مدام در گوشش زمزمه می‌کند و به او دستور انجام کارهای عجیب وخطرناک را می‌دهد. گفت‌وگو باور با ریخ‌ناید.

#### چطور خبر نداشتی پدرت را به قتل رسانده‌ای؟

من ضربه‌های محکمی به او و مسادرم نزدم. فکر می‌کردم هر دوی‌شان به‌صورت سطحی زخمی شده‌اند. اصلا نمی‌دانستم که چه کار و حشنتاکی کرده‌ام.

#### چرا با چاقو به آنها حمله کردی؟

از آنها کینه به دل داشتم. هر چه به آنها می‌گفتم به من پول بدهید، طفره می‌رفتند. تا قبل از این هرچه می‌خواستم برآیم فراهم می‌کردند اما از یک سال قبل رفتارشان تغییر کرد و دیگر آدم‌های سابق نبودند. شاید به‌خاطر اعتیاد من بود. شاید از من خسته شده بودند. چون من از وقتی شیشه می‌کشم، دچار توهمات عصبیی می‌شوم و دست به کارهای خطرناک می‌زنم. شاید برایتان عجیب باشد اما مدت‌هاست که یک موجود خیالی با من زندگی می‌کند. درواقع من از او دستور می‌گیرم. او همیشه از من می‌خواست تا از پدر و مادرم پول بگیرم. گاهی به زور از آنها پول می‌گرفتم. با تهدید یا آتش زدن خانه یا خودم. بنده‌های خدا ناچار می‌شدند از ترس جان‌شان یا آبروریزی به من پول بدهند. یادم آمد… یک‌بار برای تهدید و ترساندن‌شان خانه را آتش زدم. این اتفاق برای یک سال قبل بود.

#### چرا خانه را به آتش کشیدی؟

آن زمان تازه از کمپ بیرون آمده بودم. خانواده‌ام چندبار مرا به کمپ فرستادند اما هر بار بعد از اینکه بیرون می‌آمدم باز دوباره سمت مواد می‌رفتم. نمی‌توانستم شیشه را کنار بگذارم. به همین دلیل ناچار بودم برای تامین هزینه‌های مواد از والدینم پول بگیرم. آنها بیشتر وقت‌ها بسا من همکاری می‌کردند اما آن روز هرچه‌اصرار کردم حاضر نشدند و به من پول بدهند. درحالی‌که می‌دانستم در خانه

پول دارند. عصبانی شدم و خانه را به آتش کشیدم. روی وسیله‌های خانه بنزین ریختم و کبریت را کشیدم. آن زمان هم همان موجود خیالی به من دستور داد این کار را انجام بدهم. وقتی خانه آتش گرفت همسایه‌ها ریختند و با کمک آنها حریق مهار شد. متأسفانه بخشی از وسایل خانه سوخت و آن روز والدینم ناچار شدند به من پول بدهند که مواد بخرم.

#### پدر و مادرت از تو شکایت نکردند؟

نه. می‌ترسیدند. شاید فکر می‌کردند آزاد می‌شوم و دوباره به سرافشان می‌روم و دوباره خانه‌شان را به آتش می‌کشم.

#### چه نشند که روز حادثه با چاقو به

#### سمت والدینت حمله کردی؟

یک سالی می‌شد که خانه را ترک کرده و در یک کارگاه مشغول به‌کار شده بودم. البته هنوز بودم مصرف می‌کردم و به‌صورت کامل شیشه‌را کنار نگذاشته بودم. هرچند مصرف من نسبت به قبل، خیلی کمتر شده بود و بیشتر درگیر کار بودم. به‌خاطر آتش زدن خانه دیگر به اینجا نمی‌رفتم و یک جوری‌با پدرم و مادرم قهر کرده بودم. تا اینکه صاحب کارم متوجه شد و با پادرمیانی قصد داشت ما را آشتی بدهد. قبل از رفتن شیشه کشیده بودم. وقتی رسیدیم، پدر و مادرم خواستند که همان شب به کمپ بروم و اعتیادم را به‌صورت کامل ترک کنم. من اما حاضر نبودم و زیر بار نمی‌رفتم. همان موقع یاز توهم به سراغم آمد و آن موجود خیالی در گوشم زمزمه کرد که باید آنها را اساکت کنم. من هم چاقویی از آشپزخانه برداشتم و آنها را زدم.

#### و بعد از آن چه کردی؟

فرار کردم و شب‌ها در دستشویی پارک‌ها و با مسافر‌خانه‌های خوابیدم. اصلا نمی‌دانستم پدرم فوت شده و مادرم بیمارستان است. برای همین ۳روز بعد از حادثه به‌خانه برگشتم تا آنجا را به آتش کشم تا پدر و مادرم را بترسانم که همسایه‌ها رسیدند و آتش را خاموش کردند. بار دوم یعنی همان روزی که دستور کشیدم هم رفتم شیشه‌ها را شکستم اما همسایه‌ها متوجه شده و به پلیس دست دادند. در بررسی‌ها مشخص شد که اهالی ساختمانی، چند روزی بود که متوجه بو تعفن شدیدی شده بودند که در ساختمان پیچیده بود. از سوی دیگر چند روزی می‌شد که خبری از اعضای خانواده‌ای که در یکی از واحدهای ساختمان زندگی می‌کردند نبود و به‌نظر می‌رسید منشا بو از آپارتمان آنهاست. در این شرایط همسایه‌ها موضوع را با پلیس درمیان گذاشتند و وقتی مأموران قدم در آپارتمان مورد نظر گذاشتند با صحنه درناکی مواجه شدند. اجساد زن و مردی جوان به همراه پسرپهچ ۷ساله‌شان در خانه دیده می‌شد که در ادامه بررسی‌ها مشخص شد همگی آنها به‌دلیل گازگرفتگی جانشان را از دست داده‌اند. ظاهراً علت گازگرفتگی ،بخاری غیراستانداردی بود که در خانه قرار داشت و یک تلخ اعضای خانواده ۳نفره را رقم زده بود. بررسی‌ها نشان داد که دستور را از مرگ آنها می‌گذرد و در این شرایط اجساد قربانین به دسترسی بازپرس جنایی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

دومین حادثه مرگبار اما ساعت ۱صبح پنجشنبه ۲۷بهمن به قاضی وحید ناصری، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. مقتول مردی ۳۷ساله بود که از ۲نفر از همسایه‌ها درگیر شده و ساعتی پس از این درگیری جانش را از دست داد. بود. پدر مقتول در تحقیقات گفت: بسرم با ۲نفر از همسایه‌ها مشاجره لفظی پیدا کرد اما ناگهان این مشاجره به دعوا منتهی شد و همسایه‌ها به جان پسرم افتادند و او را کتک زدند. با شنیدن صدای دعوا، خودم راه خیابان رساده و پسرم را با هر سختی بود از زیر دست آنها بیرون کشیدم و به خانه بردم. او حال خوبی نداشت، به‌طوریکه حتی شام هم نخورد و سر در شدیدی داشت. به همین دلیل به اتاقش رفت تا استراحت کند اما ساعتی بعد وقتی برای بیدار کردن او بالای سرش رفتم متوجه شدم جان باخته است. با توجه به اظهارات مرد میانسال، ۴مرد همسایه به دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شدند و سر در شدیدی داشت. به همین دلیل کردند. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

سومین حادثه مرگباری که در پایتخت رخ داد و موجب تشکیل بازپرس جنایی تهران خبر رسید که کودک یک ماهه به طرز مشکوکی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت جانش را از دست داده است. پدر کودک در تحقیقات گفت: چند روز قبل فرزندم سرما خورد و بی‌قراری می‌کرد. با این تصور که او سرما خورده و بعد از چند روز حالش خوب می‌شود سعی کردیم در خانه از او مراقبت کنیم. اما بعد از چند روز حالش بدتر شد و ما فوراً او را به بیمارستان رساندیم اما جانش را از دست داد. تحقیقات برای راه‌گشایی از مرگ نوزاد آغاز شده است.

چهارمین حادثه‌ای که در پایتخت اتفاق افتاد مرگ مردی ۵۷ساله بود که روز پنجشنبه رخ داد. تحقیقات اولیه حکایت از این داشت که وی برای انجام عمل کوچک کردن معده به یک مرکز درمانی در پایتخت رفته و پس از عمل نیز مرخص شده و به خانه برگشته بود اما ۲روز بعد از جراحی، حالش بد شد و خانواده‌اش او را به بیمارستان منتقل کردند. تلاش پزشکان اما برای نجات او فایده‌ای نداشت و مرد میانسال جانش را از دست داد. به‌دنبال این حادثه خانواده متوفی از تیم جراحی شکایت کرده‌اند که تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

اما پنجمین و آخرین پرونده جنایی که روز جمعه در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد مرگ اسررآمیز زنی ۴۲ساله در خانه‌اش بود. او به تازگی با مردی به‌صورت موقت ازدواج کرده بود و مأموران به تحقیق از این مرد پرداختند او گفت: مدتی قبل با مینا (متوفی) در مهمانی آشنا شدم و او را به عقد موقت خود در آوردم. مینا از بیماری افسردگی رنج می‌برد و به همین دلیل دارو مصرف می‌کرد. شب حادثه حالش بد شد و او را به مرکز درمانی بردم اما چون خیلی خستگی بود اما مینا هم به‌خاطر حال بدش نمی‌توانست منتظر بماند به‌خانه برگشتم. او چون حالش خوب نبود خوابید اما چند ساعت بعد متوجه شدم که نفس نمی‌کشد. به دستور بازپرس جنایی، جسد مینا به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات در زمینه مسرفه‌های او ادامه دارد تا معمای این حادثه را راه‌گشایی شود.

## هم‌شهری



کوتاه از حادثه

### مرگ ۵نفر در تصادف آتینبا

تصادف ۲ دستگاه خودروی تیبیا با یکدیگر حادثه تلخی را رقم زد و موجب جان‌باختن شفر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه روز جمعه در مسیر رومشکان به پلدختر واقع در استان لرستان اتفاق افتاد. مهدی غیبی، رئیس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی لرستان در این باره گفت: در تماسی با مرکز اورژانس استان، مبنی بر وقوع تصادف ۲خودروی تیبیا در توه خشکه – رومشکان به پلدختر ۳میلولانس به محل اعزام شدند. او درباره تلفات این حادثه گفت: در این حادثه ۲نفر به‌علت شکستگی لگن زخمی شده بودند که پس از انجام اقدامات لازم توسط کارشناسان فوریت‌های پزشکی به بیمارستان امام‌خمینی(ره) کوهدشت انتقال یافتند. همچنین در این حادثه ۵نفر نیز جان خود را از دست داده بودند که ۳نفر از آنها در محل حادثه، یکی دیگر هنگام انتقال و پنجمین نفر در بیمارستان فوت شد. به‌گفته وی علت وقوع این حادثه از سوی پلیس در دست بررسی است.



<b>پيامك</b>	ارسال پیام کوتاه شماره ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶
--------------	------------------------------------

**مرگ ۷نفر در حوادث آخر هفته پایتخت**
بازپرس جنایی پایتخت را راهی مأموریت‌های مختلف پلیس و به گزارش همشهری، نخستین حادثه شامگاه چهارشنبه گذشته رخ داد. آن شب به قاضی محمد جواد شعیبی، بازپرس جنایی تهران خبر رسید اعضای یک خانواده در حادثه‌ای جانشان را از دست دادند. در بررسی‌ها مشخص شد که اهالی ساختمانی، چند روزی بود که متوجه بو تعفن شدیدی شده بودند که در ساختمان پیچیده بود. از سوی دیگر چند روزی می‌شد که خبری از اعضای خانواده‌ای که در یکی از واحدهای ساختمان زندگی می‌کردند نبود و به‌نظر می‌رسید منشا بو از آپارتمان آنهاست. در این شرایط همسایه‌ها موضوع را با پلیس درمیان گذاشتند و وقتی مأموران قدم در آپارتمان مورد نظر گذاشتند با صحنه درناکی مواجه شدند. اجساد زن و مردی جوان به همراه پسرپهچ ۷ساله‌شان در خانه دیده می‌شد که در ادامه بررسی‌ها مشخص شد همگی آنها به‌دلیل گازگرفتگی جانشان را از دست داده‌اند. ظاهراً علت گازگرفتگی ،بخاری غیراستانداردی بود که در خانه قرار داشت و یک تلخ اعضای خانواده ۳نفره را رقم زده بود. بررسی‌ها نشان داد که دستور را از مرگ آنها می‌گذرد و در این شرایط اجساد قربانین به دسترسی بازپرس جنایی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

دومین حادثه مرگبار اما ساعت ۱صبح پنجشنبه ۲۷بهمن به قاضی وحید ناصری، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. مقتول مردی ۳۷ساله بود که از ۲نفر از همسایه‌ها درگیر شده و ساعتی پس از این درگیری جانش را از دست داد. بود. پدر مقتول در تحقیقات گفت: بسرم با ۲نفر از همسایه‌ها مشاجره لفظی پیدا کرد اما ناگهان این مشاجره به دعوا منتهی شد و همسایه‌ها به جان پسرم افتادند و او را کتک زدند. با شنیدن صدای دعوا، خودم راه خیابان رساده و پسرم را با هر سختی بود از زیر دست آنها بیرون کشیدم و به خانه بردم. او حال خوبی نداشت، به‌طوریکه حتی شام هم نخورد و سر در شدیدی داشت. به همین دلیل به اتاقش رفت تا استراحت کند اما ساعتی بعد وقتی برای بیدار کردن او بالای سرش رفتم متوجه شدم جان باخته است. با توجه به اظهارات مرد میانسال، ۴مرد همسایه به دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شدند و سر در شدیدی داشت. به همین دلیل کردند. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

سومین حادثه مرگباری که در پایتخت رخ داد و موجب تشکیل بازپرس جنایی تهران خبر رسید که کودک یک ماهه به طرز مشکوکی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت جانش را از دست داده است. پدر کودک در تحقیقات گفت: چند روز قبل فرزندم سرما خورد و بی‌قراری می‌کرد. با این تصور که او سرما خورده و بعد از چند روز حالش خوب می‌شود سعی کردیم در خانه از او مراقبت کنیم. اما بعد از چند روز حالش بدتر شد و ما فوراً او را به بیمارستان رساندیم اما جانش را از دست داد. تحقیقات برای راه‌گشایی از مرگ نوزاد آغاز شده است.

چهارمین حادثه‌ای که در پایتخت اتفاق افتاد مرگ مردی ۵۷ساله بود که روز پنجشنبه رخ داد. تحقیقات اولیه حکایت از این داشت که وی برای انجام عمل کوچک کردن معده به یک مرکز درمانی در پایتخت رفته و پس از عمل نیز مرخص شده و به خانه برگشته بود اما ۲روز بعد از جراحی، حالش بد شد و خانواده‌اش او را به بیمارستان منتقل کردند. تلاش پزشکان اما برای نجات او فایده‌ای نداشت و مرد میانسال جانش را از دست داد. به‌دنبال این حادثه خانواده متوفی از تیم جراحی شکایت کرده‌اند که تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

اما پنجمین و آخرین پرونده جنایی که روز جمعه در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد مرگ اسررآمیز زنی ۴۲ساله در خانه‌اش بود. او به تازگی با مردی به‌صورت موقت ازدواج کرده بود و مأموران به تحقیق از این مرد پرداختند او گفت: مدتی قبل با مینا (متوفی) در مهمانی آشنا شدم و او را به عقد موقت خود در آوردم. مینا از بیماری افسردگی رنج می‌برد و به همین دلیل دارو مصرف می‌کرد. شب حادثه حالش بد شد و او را به مرکز درمانی بردم اما چون خیلی خستگی بود اما مینا هم به‌خاطر حال بدش نمی‌توانست منتظر بماند به‌خانه برگشتم. او چون حالش خوب نبود خوابید اما چند ساعت بعد متوجه شدم که نفس نمی‌کشد. به دستور بازپرس جنایی، جسد مینا به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات در زمینه مسرفه‌های او ادامه دارد تا معمای این حادثه را راه‌گشایی شود.